

• یادداشت •
• محمد نیک پیمان •

تاثیر رنگ در ادراک فضاهای شهر

سرزندگی، صمیمیت، آرامش و متانت رنگ‌ها، از جمله مولفه‌های کیفی ملموس در فضاهای کهن برخی از شهرهای کویری ایران مثل یزد، کرمان و اصفهان شناخته می‌شود.
مقیاس انسانی، تناسبات در هندسه فضا، کاربرد فرم‌های ارگانیک و به‌طور کلی هارمونی موجود میان اجزای تشکیل‌دهنده «منظر شهری»، این فضاهای شهری را به عناصری هماهنگ با بستر طبیعی پیرامون خود تبدیل کرده است. اگر منظر شهری را «هر آنچه در فضای شهری به دیده می‌آید» و سیمای شهر را «آنچه از منظر شهری در ذهن مخاطبان تشکل یافته و تثبیت می‌شود» تعریف کنیم، عوامل متعددی وجود دارند که در تبدیل شدن منظر شهری (Townscape) به سیمای شهری (City im-age) تاثیر مستقیم دارند. از جمله و ویژگی‌های مشترک در میان عوامل موثر در فرایند تغییر از منظر به سیمای شهر، و ویژگی‌ها ر زمینه‌های ادراک و سطح سواد بصری مخاطبان است. عواملی مانند هندسه پنهان، بازی نور و سایه در فضای شهری، ترکیب توده و فضا، رنگ‌بندی عناصر، خاطرات و تجربیات، هویت و معنای فضا و... مواردی هستند که بر نحوه ادراک شهروندان از فضا و ایجاد آرامش روحی آنان موثرند. بدین ترتیب، اگر چه هریک از عناصر کالبدی تشکیل‌دهنده منظر شهر رنگ خاصی دارند و از این نظر، می‌توانند عناصری با رنگ مشخص در انتظام فرمال یا کالبدی فضاهای شهری تلقی نشوند، اما می‌توان همان عنصر رنگ را به‌عنوان معیاری موثر و تعیین‌کننده در نحوه ادراک فضای شهری و به دنبال آن نقش بستن سیمای شهر در ذهن شهروندان برشمرد.

درمجموع، در یک تقسیم‌بندی کلی، رنگ‌های مختلف موجود در فضای شهری را می‌توان به دو گروه رنگ‌های طبیعی و مصنوعی دسته‌بندی کرد.
قاعدتا رنگ‌هایی که در کالبد شهرها دیده می‌شوند، رنگ مصالح مورداستفاده در ساخت جدارها، نمای بناها، کف‌سازی، میلمان شهری و پوشش گیاهی است. از آنجا که برخی مصالح به‌کاررفته در ساخت اجزای تشکیل‌دهنده کالبد شهر با رنگ طبیعی خود مورد استفاده قرار گرفته‌اند (مثل رنگ اخرابی سفال‌ها در سقف‌های شیب‌دار شهرهای شمالی کشور یا جداره خاکی رنگ شهرهای کویری)، رنگ آن‌ها طبیعی است و برخی دیگر با رنگی غیر از رنگ طبیعی خود پوشش یافته‌اند. البته در شهرهای امروزی نقش رنگ‌های گروه دوم یا رنگ‌های مصنوعی در فضاهای شهری بارزتر است و مصالح ساختمانی به‌کاررفته در ساخت بناهای شهری، کمتر با رنگ طبیعی ناشی از مواد تشکیل‌دهنده‌شان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

مصالح به‌کاررفته در کالبد شهرها با رنگ طبیعی اصولا دارای دوام و پایداری زیستی بیشتری است و نگهداری آن نیز کم‌هزینه‌تر است. علاوه بر این، این گونه از مصالح در ساعات مختلف روز و همچنین در فصل‌های مختلف سال به‌هنگام بارندگی و...، تالآؤ و جلوه‌های مختلفی را از خود بروز می‌دهند. برای مثال یک معبر آجر فرش‌شده با سقف شیب‌دار سفالی، در مواقع بارش تصویر و شکوه متفاوتی خواهند یافت و درنتیجه، حس و حال‌وهوای مطلوب‌تری در شهروندان ایجاد خواهند کرد. از این‌رو، ایجاد نتایجی مانند صمیمیت، تنوع محیطی، آرامش، هارمونی و سرزندگی در آن دسته از فضاهای شهری که با مصالح دارای رنگ طبیعی پوشیده شده‌اند، بیشتر است و اصالت ذاتی رنگ مصالح مورد استفاده منطبق بر تجلی طبیعتی است که از ماهیت آن سرچشمه گرفته است و به این ترتیب با سایر عناصر و اجزای طبیعی مشهود در فضای شهری، مثل پوشش گیاهی سبز در بهار و رنگین‌کمان پاییزی با آسمان آبی‌اش و همچنین با روحیه طبیعت‌گرایی نهفته در نهاد بشر هماهنگی و همسویی بیشتری خواهد داشت.
تصویری که از این گونه فضاهای شهری در ذهن شهروندان درک و ثبت می‌شود، تصویری ماندگار است که حس تعلق خاطر، صمیمیت و آرامش را با خود به همراه دارد و فرد را به حضور دوباره در آن ترغیب می‌کند.

ژوزف ادیسون (Joseph Addison) ادیب انگلیسی جمله معروفی دارد: «رنگ‌ها به تمام زبان‌ها سخن می‌گویند.» بدین ترتیب، رنگ در شهر زبان مشترکی است که می‌تواند با مخاطبان از اقشار گوناگون به‌خوبی ارتباط برقرار کند و حال‌وهوای شهر را برای آنان بیان دارد.

کارشناس ارشد شهرسازی

رنگ از جنبه‌های مهم زندگی شهری است

رنگ یکی از جنبه‌های مهم زندگی شهری و ازجمله خصوصياتی است که در کنار شکل، ابعاد، جنسیت و بافت هر شیء، حجم یا فضای آن را به ما می‌شناساند و بر جان و فکرم‌ان اثر می‌گذارد. در بیشتر موارد نخستین چیزی که بیننده در مورد یک شکل شناسایی می‌کند، رنگ است. تصور دنیای بدون رنگ برای هیچ‌یک از ما ممکن نیست. در محیط شهری رنگ را همه جا می‌توان دید؛ در بدنه و نمای ساختمان‌ها، پوشش باهام، کف‌سازی‌ها، میلمان شهری، فضاهای سبز، خودروها و حتی آسمان شهر و نیز رنگ‌آمیزی لباس افراد که همگی نقش مهمی در تعیین چهره رنگی شهر دارند.

۸۰ | کتینه نو

• مقاله •
• سیروس ظهیرمالکی •

رنگ کیفیتی بصری است که از ظاهر و شکل اشیا در برابر نور ادراک می‌شود. نویسنده کتاب «زبان تصویر» بر این باور است: «واقعهای روان‌شناختی، نور و انواع توزیع آن، جذب، پخش و شکست، بی‌رنگ‌اند، تنها وقتی از طریق ساختار دستگاه بصری گیرنده‌ای بگذرند و توسط مغز ثبت شوند، رنگی مشخص می‌گیرند. بنابراین، تجربه رنگ سه منبع اصلی دارد؛ اولی، جسم خام مادی است، انرژی تشعشع یافته و تنظیم‌شده توسط محیط، دومی اطلاعات به‌طور مستقیم کسب‌شده از حواس است و سومی، اطلاعات به‌دست‌آمده از خاطره، شامل احساساتی که یا از طریق نوعی تقابل میان ساختار محرک احساسی حاضر و محرک‌های احساسی قبلی برانگیخته شده‌اند یا از پیوند مکررا تجربه‌شده میان یک محرک احساسی و یک واقعه حاصل شده‌اند» (۱).

رنگ‌ها چنان در فکر و جان انسان اثر می‌گذارند که در مواردی موجب تغییر رفتار آن‌ها می‌شوند. این تاثیر، در مواردی حتی به تحول در ویژگی‌های شخصیتی افراد نیز می‌انجامد. انسان و رنگ زیرمجموعه‌ای از نظام کل جهان هستی محسوب می‌شوند، از این‌رو، انسان و رنگ در محیط به‌طور دائم در تعامل با هم هستند. رنگ‌ها چه از نوع طبیعی و چه مصنوعی آن‌ها،

مدرطنه

زندگی شهری

فضاهای بی‌رنگ و خاکستری شهری، در شهر وندان افسردگی و روان‌پریشی ایجاد می‌کند

رنگی که شهرها به زندگی ما می‌دهند

محسوب نمی‌شوند و به همین دلیل نیز در برخی از کاربردها به آن‌ها بی‌رنگ می‌گویند. سفید از نگاه هر فرد نشانه خلوص و پاکی است و مشکی نشانه قاطعیت، الزام و رسمیت است. «رنگ‌های گرم» شامل رنگ‌های قرمز، نارنجی، زرد، سبز چمنی و ارغوانی می‌شوند. رنگ‌های گرم محرک سیستم عصبی هستند و احساسات را تشدید می‌کنند. این دسته از رنگ‌ها به‌وضوح دیده می‌شوند و توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کنند. «رنگ‌های سرد» شامل رنگ‌های آبی، بنفش، فیروزه‌ای، سبز مایل به آبی و سبز می‌شوند. به رنگ‌های سرد رنگ‌های ملایم نیز گفته می‌شود که تاثیر آرام‌بخش بر انسان دارند. آبی روشن می‌تواند نشانه صلح و دوستی و آسایش خاطر و آبی تیره، نشانه قیابیت اعتماد و درستی باشد.

با توجه به چنین ویژگی‌هایی است که می‌توان در یک فضای شهری، برای تهییج و ایجاد تحرک و نشاط همگانی از غلبه رنگ‌های گرم بهره گرفت و برای ایجاد آرامش و سکون از غلبه رنگ‌های سرد استفاده کرد.

نمای نزدیک

در فضاها و مکان‌های شهری نیز هر رنگی، احساس و ادراک ویژه‌ای در انسان ایجاد می‌کند و احساس سردی و گرمی و درنهایت، آرامش و هیجان و... به او می‌بخشد. معمولا رنگ‌های قرمز و نارنجی، احساس گرمی و آبی و فیروزه‌ای، احساس سردی را در انسان احیا می‌کنند. در عین حال، سیری و تند ی رنگ‌ها نیز در تشدید و احیای این احساس نقشی اساسی به عهده دارند و هر چه رنگ‌ها کم‌سوتر و آرام‌تر باشند، به همان نسبت سردتر و آرامش‌بخش‌ترند.



رنگ‌ها چنان در فکر و جان انسان اثر می‌گذارند که در مواردی موجب تغییر رفتار آن‌ها می‌شوند. این تاثیر، در مواردی حتی به تحول در ویژگی‌های شخصیتی افراد نیز می‌انجامد

کاربرد ادراکی رنگ در شهر



به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که خوانایی محله‌ها به صورت طبیعی با رنگ آن‌ها نیز مرتبط است. عناصر سیمای شهر را می‌توان با کدهای رنگی خاص و متمایزی برای افراد تشخیص‌پذیر ساخت؛ برای مثال، سطح بیرونی سبزی جنگل‌ها، باغ‌ها و مزارع، یا مرز آبی‌رنگ رودها و دریاها به‌سرعت خود را از محیط مجاورشان متمایز می‌کنند. تراکم رنگ‌ها در گروه‌های فعالیت‌ها یا تقاطع‌ها و میدان‌ها، به دلیل افزایش فعالیت‌ها و وقایع در آن‌ها، باعث می‌شود فرد پیاده‌بان نزدیک شدن به آن‌ها متوجه‌ورود به‌حوزه فعالیتی متفاوت شود. البته تراکم رنگ در تقاطع‌ها همواره مناسب نیست و به ضرورت و مورد آن‌ها بستگی دارد. همچنین در این زمینه، شهروندان از فضاها یا مکان‌های مختلف شهر توقعات متفاوتی دارند. برخی باید سرزنده و شاد باشند و برخی نیز آرام و متین.

استفاده از رنگ برای طراحان شهری تنها به موارد پیش‌گفته محدود نمی‌شود؛ ایجاد حس وحدت در عین وجود تنوع با

حتی اکنون که شهرهای ما

به‌شدت دچار اغتشاش و بی‌هویتی رنگی شده‌اند، با نام بردن از شهرهای خاص، طیف‌های رنگی مشخصی در ذهن همه زنده می‌شود. این همان توقع و انتظاری است که هر فرد از هویت و نقش آن شهر دارد و طراح نیز بایستی برای تقویت آن تلاش کند. در بسیاری موارد، پالت رنگی در یک شهر چنان طی سال‌ها

مورد استفاده قرار گرفته که خود به نشانه و نمادی قوی تبدیل شده است. بسیاری از شهرها، روستاها و مناطق طی سال‌ها سنت‌های رنگی خاص خود را به دست آورده‌اند.

در این زمینه، محله‌ها و بخش‌های مختلف شهرها نیز می‌توانند حال و هوای رنگی متفاوتی داشته باشند. برای مثال، بخش‌های حومه‌ای شهر با بخش صنعتی یا بخش اداری و مرکزی یا بافت تاریخی، هریک دارای کدهای رنگی متفاوتی است. این‌کد به فردی که در سطح شهر حرکت می‌کند، اعلام می‌کند که وارد حوزه‌های متفاوتی شده است.



یکشنبه ● ۱۲ دی ۱۳۹۵ ● شماره هشتاد و شش

A T I V E H N O

«براساس این روابط است که می‌توان تاثیرات فضایی رنگ‌ها را نیز توضیح داد؛ رنگ‌های گرم را ما نزدیک‌تر به خود تصور می‌کنیم، گویی که فضا را تنگ می‌کنند. با استفاده از این آثار روانی است که می‌توان مشخصات ادراکی فضا را تغییر داد. برای نمونه، اگر در یک فضای باریک و طولانی دیوار مقابل را به رنگ نارنجی و دیوارهای طرفین را به رنگ آبی درآوریم، فضا کوتاه‌تر و عریض‌تر به نظر می‌رسد. رنگ نارنجی دیوار مقابل را به ما نزدیک‌تر نشان می‌دهد و دیوارهای آبی، دورتر از آنچه هستند به نظر می‌آیند» (۲).

بهره‌گیری ماهرانه از رنگ در فضاها و مکان‌های شهری، بی‌آنکه به‌عنوان عنصری بی‌هدف خودنمایی کند، می‌تواند بر جاذبه محیطی و ادراک آن و همچنین ایجاد سرزندگی، نشاط، تهییج و یا آرامش روحی و احساس امنیت فضایی و القای مفاهیم آموزش شهروندی بیفزاید و برعکس، بی‌توجهی به استفاده از آن و یا حتی به‌کارگیری نادرست آن در محیط‌های انسانی، می‌تواند آسیب‌های روحی قابل‌توجهی را به انسان و حتی به جامعه تحمیل کند. استفاده نادرست از رنگ در فضاها و مکان‌های شهری، نه‌تنها جاذبه‌ای ایجاد نمی‌کند، بر بی‌هویتی و اغتشاش فضایی و این نمادها و منجر به تنش روحی و پر‌خاشگری شهروندان می‌شود. همچنین نتیجه فضاهای بی‌رنگ و خاکستری شهری، ایجاد افسردگی و روان‌پریشی در شهروندان است. متأسفانه امروزه بسیاری از شهرها و به‌ویژه شهرهای کشورمان خاکستری هستند و عناصر رنگی در آن‌ها بیشتر تجلی سیمای خاکستری پل‌ها، ساختمان‌های سیمانی و سنگی است و حتی بیشتر درختان سبز آن‌ها از فرط آلودگی هوا رنگ باخته‌اند و مجالی برای عرض اندام سبزی‌نگی خود نمی‌یابند. شهروندان در برخورد با این نمادهای خشک و خشن تنها با آشفته‌گی بصری مواجه هستند و آنچه باید در خدمت آرامش روانی شهروندان باشد برعکس عمل می‌کند. از طرفی هم در این زمینه، هیچ‌گونه اصول و مبانی مدونی برای محیط‌های شهری تعریف نشده‌است تا بتوان بر اساس آن، مدیران و طراحان و حتی مردم را در انتخاب رنگ‌های مناسب برای محیط زندگی‌شان هدایت کرد. در این زمینه، اگر رنگ و جلوه‌ای از سیمای رنگی در شهرها مشاهده می‌شود، تنها بازتابی از ذوق و سلیقه فردی شهروندان و یا برخی مدیران و طراحان است و گر نه هیچ‌الگو، ضابط و مقرراتی آن‌ها را به‌رعایت این اصل مهم شهرسازی در کشورمان موظف نمی‌کند. امید است با تدوین ضوابط و مقررات مربوط به نحوه استفاده از رنگ در فضاها و سیمای شهری از سوی مراجع ذی‌ربط و به‌ویژه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ضمن ایجاد الگوهای مناسبی در این زمینه، رنگ خاکستری از شهرهای کشورمان شسته شود و شهرهایی با هویت‌های رنگی ویژه، سرزنده و بانشاط و در عین حال، آرامش‌بخش داشته باشیم.

روزنامه‌نگار پیشکسوت و پژوهشگر مطالعات شهری

منابع:

۱) کیس، جنوری، زبان تصویر، ترجمه فیروزه مهاجر، انتشارات سروش، چاپ اول ۱۳۶۸، ص ۱۲۱.

۲) گروتس، یورک کورت، زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد، عبدالرضا هما یون، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ پنجم ۱۳۸۸، ص ۴۹۷.

کمک رنگ در کنار دیگر عوامل، نیاز هر فضا یا شهر است. شخص نیاز دارد ضمن قدم‌زدن یا حرکت در سطح شهر، تداوم پیوستگی را حس کند. زمانی‌که هر بخش بدون ارتباط با بخش دیگر باشد، شخص احساس گم‌شدگی، سردرگمی و کلافگی می‌کند و حتی ممکن است از دلیل انزجار و سرخوردگی خود اطلاع نداشته باشد. او به صورت ناخودآگاه به حضور در فضای شهری که به‌او حس آرامش و نظم و هماهنگی ندهد، تمایل ندارد. چهره خاکستری و یکنواخت بسیاری از شهرها نیز موجب افسردگی و دلمردگی افراد در فضاها می‌شود.

فقدان تنوع و سرزندگی، ناخواسته مانع حضور افراد در فضاها و مشارکت آن‌ها در زندگی مدنی است. با توجه به این مطلب، ایجاد تنوع و خلق شادی و نشاط در فضاهای مناسب به‌صورتی حساب‌شده و اندیشیده با کمک رنگ به‌راحتی ممکن است. بارزترین نمونه آن خیابان‌های تجاری و فضاهای بازی کودکان است که تنوع رنگی آن‌ها به‌منظور خلق فضاهای شاد به امری بدیهی تبدیل شده‌است. حتی باید توجه داشت که مناسبیت‌های خاص نیز یادآور تنوع رنگی متفاوت از سایر اوقات سال هستند. به نحوی که مراسم شادی و جشن و سرور در ذهن همواره مترادف با رنگ‌آمیزی متنوع و متفاوت در روز و شب است.

دکترای تخصصی طراحی شهری